

LTMS



بروزترین مرجع
دوره های ضمن خدمت فرهنگیان

ltmsyar.ir

همه آنچه برای انجام دوره های ضمن خدمت لازم است را
تنها از سایت و کانال ما دنبال کنید :

t.me/ltmsyarir

www.LTMSYAR.ir

(برای ورود به سایت و کانال تلگرام لینک های بالا را بفشارید.)

سوره کوثر مکی است و سه آیه دارد

سوره کوثر آیات ۱ تا ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

(۱) انا اعطیناک الکوثر (۲) فصل لربک و انحر (۳) ان شائک هو الابر

ترجمه آیات:

(به نام الله که به نیک و بد بخشنده، و به نی کان مهربان است. محققا ما به تو خیر کثیر فاطمه علیها السلام) دادیم (۱)

(پس به شکرانه اش برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن) (۲)

(و بدان که محققا شماتت گوی و دشمن تو ابر و بلا عقب است) (۳)

بیان آیات:

در این سوره منتهی بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نهاده به اینکه به آن جناب کوثر داده، و این بدان منظور است که آن جناب را دلخوش سازد و بفهماند که آن کس که به وی زخم زبان می زند که اولاد ذکور ندارد و اجاق کور است، خودش اجاق کور است، و این سوره کوتاه ترین سوره قرآن است، و روایات در اینکه آیا این سوره در مکه نازل شده و یا در مدینه مختلف است، و ظاهرش این است که در مکه نازل شده باشد.

و بعضی از مفسرین به منظور جمع بین دو دسته روایات گفته اند: ممکن است دو نوبت نازل شده باشد یکی در مکه و بار دیگر در مدینه.

اقوال مختلف درباره مراد از (کوثر) و بیان شواهد دال بر اینکه مراد از آن ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) یعنی فرزندان فاطمه (علیه السلام) است

انا اعطیناک الکوثر

در مجمع البیان می گوید: کلمه (کوثر) بر وزن (فوعل) به معنای چیزی است که شانش آن است که کثیر باشد، و کوثر به معنای خیر کثیر است.

ولی مفسرین در تفسیر کوثر و اینکه کوثر چیست اختلافی عجیب کرده اند: بعضی گفته اند: خیر کثیر است. و بعضی معانی دیگری کرده اند که فهرست وار از نظر خواننده می گذرد:

۱- نهری است در بهشت. ۲ - حوض خاص رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در بهشت و یا در محشر است.

۳- اولاد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. ۴ - اصحاب و پیروان آن جناب تا روز قیامت است. ۵ - علمای امت او است. ۶ - قرآن و فضائل بسیار آن. ۷ - مقام نبوت است. ۸ - تیسیر قرآن و تخفیف شرایع و احکام است.

۹- اسلام است... ۱۰- توحید است. ۱۱ - علم و حکمت است. ۱۲ - فضائل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. ۱۳- مقام محمود است. ۱۴ - نور قلب شریف رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. و از این قبیل اقوالی دیگر که به طوری که از بعضی از مفسرین نقل شده بالغ بر بیست و شش قول است. ۱۵.

صاحبان دو قول اول استدلال کرده اند به بعضی روایات، و اما باقی اقوال هیچ دلیلی ندارند به جز تحکم و بی دلیل حرف زدن، و به هر حال اینکه در آخر سوره فرمود: (ان شائک هو الابتر) با در نظر گرفتن اینکه کلمه (ابتر) در ظاهر به معنای اجاق کور است، و نیز با در نظر گرفتن اینکه جمله مذکور از باب قصر قلب است، چنین به دست می آید که منظور از کوثر، تنها و تنها کثرت ذریه ای است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته، و برکتی است که در نسل آن جناب قرار داده و یا مراد هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه، چیزی که هست کثرت ذریه یکی از مصادیق خیر کثیر است،

و اگر مراد مساله ذریه به استقلال و یابه طور ضمنی نبود، آوردن کلمه (ان) در جمله (ان شائک هو الابتر) فایده ای نداشت، زیرا کلمه (ان) علاوه بر تحقیق، تعلیل را هم می رساند و معنا ندارد بفرماید ما به تو حوض دادیم، چون که بدگوی تو اجاق کور است و یا بی خبر است.

و روایات هم بسیار زیاد رسیده که سوره مورد بحث در پاسخ کسی نازل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به اجاق کوری زخم زبان زد و این زخم زبان هنگامی بود که قاسم و عبد الله دو فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفتند، پس با این بیان روشن شد که سخن آن مفسر که گفته: منظور صاحب این زخم زبان از کلمه (ابتر) بریدگی از مردم یا انقطاع از خیر بوده و خدای تعالی در رد گفتارش فرموده او خودش منقطع از هر چیز است سخن بی وجهی است. و چون جمله (انا اعطیناک...) در مقام منت نهادن بود، با سیاق متکلم مع الغیر (ما) آمد که بر عظمت دلالت می کند، و چون منظور از آن خوشدل ساختن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود مطلب را با واژه اعطاء که ظاهر در تملیک است بیان داشت و فرمود: ما به تو کوثر عطا کردیم. و این جمله از این دلالت خالی نیست که فرزندان فاطمه (علیها السلام) ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند، و این خود یکی از خبرهای غیبی قرآن کریم است، چون همانطور که می بینیم خدای تعالی بعد از درگذشت آن حضرت برکتی در نسل آن جناب قرار داد، به طوری که در همه عالم هیچ نسلی معادل آن دیده نمی شود، آن هم با آن همه بلاها که بر سر ذریه آن جناب آوردند و گروه گروه از ایشان را کشتند.

مراد از امر صلوة و نحر بعد از منت گذاردن به اعطاء کوثر

فصل لربک و انحر

از ظاهر سیاق و ظاهر اینکه حرف (فاء) بر سر این جمله در آمده، استفاده می شود که امر به نماز و نحر شتر، که متفرع بر جمله (انا اعطیناک الکوثر) شده، از باب شکر نعمت است، و چنین معنا می دهد، حال که ما بر تو منت نهادیم و خیر کثیرت دادیم این نعمت بزرگ را با نماز و نحر شکرگزاری کن.

و مراد از (نحر) بنا بر روایاتی که از طرق شیعه و سنی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و از علی (علیه السلام) رسیده، و نیز روایاتی که شیعه از امام صادق و سایر ائمه اهل بیت (علیهم السلام) روایت کرده، دست بلند کردن به طرف گردن در هنگام تکبیر گفتن برای نماز است.

ولی بعضی گفته اند: معنایش این است که نماز عید قربان بخوان، و شتر هم قربانی کن، چون کلمه نحر به معنای سر بریدن شتر به آن نحو خاص است، همچنان که کلمه ذبح به معنای سر بریدن سایر حیوانات است.

بعضی دیگر گفته اند: معنایش این است که برای پروردگارت نماز بخوان، و وقتی سر از رکوع بر می داری به طور کامل بایست. بعضی دیگر معانی دیگری هم ذکر کرده اند.

ان شائک هو ابتر

کلمه: (شانیء) به معنای دشمن خشمگین، و کلمه (ابتر) به معنای اجاق کور است، و این کسی که چنین زخم زبانی به آن جناب زده بود عاصی بن وائل بوده.

بعضی گفته اند: مراد از ابتر منقطع از خیر، و یا منقطع از قوم خویش است، که خواننده توجه فرمود این قول با روایات شان نزول نمی سازد.

بحث روایتی:

در الدر المنثور است که بخاری ابن جریر و حاکم از طریق ابی بشر از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده اند که گفت: کوثر آن خیری است که خدای تعالی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) داد. ابو بشر می گوید: به سعید بن جبیر گفتم جمعی از مردم معتقدند که کوثر نام نهری در بهشت است. سعید گفت نهری هم که در بهشت است یکی از خیرهایی است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته.

روایاتی درباره اینکه مراد از (نحر) در (فصل لربک و انحر) بلند کردن دستها در موقع اداء تکبیر است و در همان کتاب آمده که ابن ابی حاتم، حاکم، ابن مردویه، و بیهقی در کتاب سنن خود، از علی بن ابی طالب روایت کرده اند که فرموده وقتی این سوره بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد، از جبرئیل پرسید: این (نحیره) که خدای عزوجل مرا بدان مامور فرموده چیست؟ گفت: منظور نحیره نیست، بلکه خدای تعالی مامورت کرده وقتی می خواهی احرام نماز ببندی دستهایت را بلند کنی، هم در تکبیره الاحرام و هم در هنگام رکوع رفتن و هم در موقع سر از رکوع برداشتن، که این نماز ما و نماز فرشتگانی است که در هفت آسمان هستند، و برای هر چیزی زینتی است، و زینت نماز دست بلند کردن در هر تکبیر است.

و رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) فرمود: دست بلند کردن یکی از مظاهر استکانت و التماس است که خدای تعالی در مذمت کفار (فرموده): فما استکانوا لربهم و ما یتضرعون - برای پروردگار خود نه استکانت دارند و نه تضرع و زاری.

مؤلف: این روایت را صاحب مجمع البیان از مقاتل از اصبع بن نباته از آن جناب نقل کرده، سپس گفته ثعلبی و واحدی این روایت را در تفسیرهای خود آورده اند. و نیز گفته همه عترت طاهره از آن جناب نقل کرده اند، که معنای نحر بلند نمودن دو دست تا محاذی گودی زیر گلو در هنگام نماز است.

و نیز در الدر المنثور است که ابن جریر از ابی جعفر روایت کرده که در ذیل آیه (فصل لربک) گفته است: یعنی نماز بخوان، و در معنای کلمه (وانحر) گفته: یعنی دستها را در آغاز نماز و هنگام گفتن تکبیر افتتاح، بلند کن.

و نیز در همان کتاب است که ابن مردویه از ابن عباس روایت کرده که در تفسیر آیه (فصل لربک و انحر) گفته: خدای تعالی به رسول گرامیش وحی فرستاد که وقتی تکبیر اول نماز را می گویی دستها را تا برابر نحر - گودی زیر گلویت بلند کن، این است معنای نحر.

و در مجمع البیان در ذیل آیه از عمر بن یزید روایت کرده که گفت: من از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که در تفسیر آیه (فصل لربک و انحر) می فرمود: این نحر عبارت است از بلند کردن دستها تا برابر صورت.

مؤلف: آنگاه می گوید: عبد اللہ بن سنان هم مثل این حدیث را از آن جناب نقل کرده، و نیز قریب به آن را جمیل از آن جناب روایت کرده است.

ذکور، کسی که زخم زبان زد و نزول سوره کوثر

و در الدر المنثور است که ابن سعد و ابن عساکر از طریق کلبی از ابی صالح از ابن عباس روایت کرده اند که گفت: بزرگترین فرزند رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) قاسم، سپس زینب، و آنگاه عبد الله، و پس از او ام کلثوم، و آنگاه فاطمه و در آخر رقیه بود، قاسم از دنیا رفت و اولین کس از فرزندان آن جناب بود که در مکه از دنیا رفت، و بعد از او عبد الله از دنیا رفت، و عاصی بن وائل سهمی گفت:

نسل او قطع شد، پس او ابتر و بی عقب است، در پاسخش خدای تعالی این آیه را فرستاد که خود عاصی بن وائل ابتر و بدون عقب است. و در همان کتاب است که زبیر بن بکار و ابن عساکر، از جعفر بن محمد از پدرش روایت کرده اند که فرمود: قاسم پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه از دنیا رفت و بعد از دفن جنازه آن جناب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به عاصی بن وائل و پسرش عمرو برخورد، عاصی وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را از دور دید گفت: الان زخم زبانی به او می زخم، همین که آن جناب نزدیک شد، گفت: چه خوب شد که اجاقش کور شد، در پاسخ او این آیه نازل شد (ان شائک هو الابر) و نیز در همان کتاب است که ابن ابی حاتم از سدی روایت کرده که گفت: قریش را رسم چنین بود که وقتی فرزند ذکور کسی می مرد می گفتند (بتر فلان) و چون فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت عاصی بن وائل گفت (بتر) یعنی فرزند ذکورش مرد، و این فرد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از همه بیشتر بتر شد، چون هیچ فرزند ذکور برایش نماند

مؤلف: و در بعضی از تواریخ آمده که شماتت کننده ولید بن مغیره بوده. و در بعضی دیگر آمده که ابو جهل بوده. و در بعضی دیگر آمده که عقبه بن ابی معیط بوده. و در بعضی آمده که کعب بن اشرف بوده، ولی معتبر همان است که می گفت عاصی بن وائل بوده است.

مؤید آن، روایتی است که مرحوم طبرسی آن را در احتجاج از حسن بن علی (علیهما السلام) نقل کرده که آن جناب در حدیثی که روی سخنش در آن با عمرو بن العاصی است، فرموده: و تو در بستری مشترک متولد شدی (یعنی مادرت هم با عاصی بن وائل هم بستر می شده و هم با دیگران

)، و وقتی متولد شدی عده ای از رجال قریش بر سر تو نزاع کردند، ابو سفیان بن حرب گفت این پسر از نطفه من است. ولید بن مغیره گفت: از من است. عثمان بن حارث و نضر بن حارث بن کلد، و عاصی بن وائل هر یک ادعا کردند که از من است، تا آنکه از میان همه آنان لثیم تر و بی حسب و نسب تر و خبیث تر و ستمکارتر و زناکارترشان عاصی بن وائل زورش بر سایرین چربید و تو را به خود ملحق ساخت و نیز این تو بودی که برای بر شمردن افتخارات به خطبه ایستادی، و گفتی این منم. که محمد را زخم زبان می زخم، و عاصی بن وائل گفت: محمد مردی ابتر است، یعنی اولاد ذکوری ندارد، اگر از دنیا برود نامش از صفحه روزگار محو می شود، و خدای تعالی در پاسخش فرمود (ان شائک هو الابر) - تا آخر حدیث.

و در تفسیر قمی در ذیل آیه (انا اعطیناک الکوثر) آمده که کوثر نهری است در بهشت، که خدا آن را به محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) داده، تا عوض از پسرش ابراهیم باشد.

مؤلف: این روایت علاوه بر اینکه مرسل است، یعنی سندش ذکر نشده، و علاوه بر اینکه مضمراً است، یعنی تنها در آن آمده که (فرمود) و روشن نکرده که کدام یک از ائمه فرموده، با سایر روایات معارض است، و تفسیر کوثر به نهری در بهشت منافات ندارد که کوثر به معنای خیر کثیر باشد، چون همانطور که در خبر ابن جبیر گذشت نهر بهشتی هم مصداقی از خیر کثیر است.

گروه ضمن خدمت هوشمند سازی

LTMS



بروزترین مرجع

دوره های ضمن خدمت فرهنگیان

ltmsyar.ir

همه آنچه برای انجام دوره های ضمن خدمت لازم است را
تنها از سایت و کانال ما دنبال کنید :

t.me/ltmsyarir

www.LTMSYAR.ir

(برای ورود به سایت و کانال تلگرام لینک های بالا را بفشارید.)